



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم در روایاتمان ذکر شده که اولین درجه و مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر همان ناراحتی و انزجار قلبی می باشد و سپس نشان دادن این ناراحتی قلبی در چهره و برخورد با انجام دهنده منکرات با وجوه مکفهره یعنی خشن و غضب آلود و بعد ترک مجالست و ارتباط و به انزوا کشاندن آنها می باشد.

در قران کریم در سوره توبه جریان غزوه تبوک ذکر شده که بخشی از آن مربوط به بحث ما می باشد، پیغمبر خدا در طول ده سال که در مدینه بودند ۶۴ فقره جهاد انجام داده که تبوک آخرین جنگ ایشان است که در سال نهم هجری با اهل روم واقع شده و تقریباً یک ماه طول کشیده، بعد از ارسال نامه و دعوت پادشاه روم به اسلام که یکی از ابرقدرتهای آن زمان بود و عدم موافقت او خبر به پیغمبر رسید که رومیان مشغول تهیه لشکر برای حمله به ایران هستند لذا حضرت تصمیم گرفتند قبل از اینکه آنها بیایند و وارد جنگ شوند به آنها حمله کند و برای اینکار ۳۰ هزار لشکر تهیه کردند و عازم جنگ با روم شدند، در این مورد در نهج البلاغه نیز مطالبی ذکر شده: ﴿وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالضَّيْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّذَمِّ حَتَّى يَصِلَ إِلَيْهَا طَالِبُهَا وَ يَحْتَلِبَهَا رَاصِدُهَا وَ لَكِنِّي أَضْرِبُ بِالْمُقْبِلِ إِلَى الْحَقِّ الْمُدْبِرِ عَنْهُ وَ بِالْسَّامِعِ الْمُطِيعِ الْعَاصِيِ الْمُرِيبِ أَبَدًا حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيَّ يَوْمِي﴾^۱.

نکته: حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال در ذکر جریان غزوه تبوک نوشته پیغمبر حرکت کرد و آمد برای جنگ با پادشاه روم و یک ماه نیز طول کشید اما بعداً

معلوم شد که دروغ گفته اند و اصلاً پادشاه روم قصد جنگیدن و حمله به مسلمانان را نداشته لذا حضرت برگشتند! این مطلب صحیح نیست و با مبانی که ما نسبت به پیغمبر داریم جور در نمی آید زیرا پیغمبر متصل به منبع وحی الهی می باشد.

در سوره توبه مطالب بسیاری درباره جنگ تبوک و کلاً جهاد اسلامی ذکر شده، اول که پیغمبر اعلام جهاد کردند بسیاری مخالفت کردند و نیامدند و عده کمی حاضر شدند، این جنگ بخاطر سختی هائی که داشته بنام "جیش العسرة" نیز نامیده شده زیرا اولاً راه بسیار دور و تابستان و هوا بسیار گرم بوده و ثانیاً مرکب بسیار کم بوده و هر ده نفر یک شتر داشتند و به نوبت سوار می شدند ثالثاً آب و غذا بسیار کم بوده، و اما این تنها جنگی بوده که امیرالمومنین علیه السلام همراه پیغمبر نبوده زیرا منافقین فتنه می کردند و حضرت به دستور پیغمبر برای دفع فتنه آنها در مدینه ماند.

خوب و اما آیات سوره توبه که جریان جنگ تبوک در آن ذکر شده این آیات هستند: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رُؤُفٌ رَحِيمٌ (۱۱۷) وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۱۸)﴾^۲.

ترجمه: البته خداوند بر پیامبر و مهاجران و انصاری که به هنگام دشواری (در سفر جنگ تبوک) از او پیروی کردند عطف توجه نمود و توبه آنها را پذیرفت، پس از آنکه نزدیک بود دل های گروهی از آنها (از فرمان

^۲ سوره توبه، آیه ۱۱۷ و ۱۱۸.

^۱ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۱۳، خطبه ۶.

هرکس جداگانه تا پنجاه روز مشغول توبه و عبادت شد و بالاخره بعد از پنجاه روز وقتی پیغمبر در خانه ام سلمه بود جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد که خداوند توبه آنها را پذیرفته است، ام سلمه از حضرت اجازه گرفت و موقع نماز صبح از همان پنجره به مردم اطلاع داد که خداوند توبه آن سه نفر را قبول کرده و بعد مردم حرکت کردند و رفتند آنها را آوردند خلاصه این یک درس بزرگ است که پیغمبر در مورد برخورد با اهل گناه به ما می آموزد و کلاً این آیات بر نحوه برخورد با گناه و اهل گناه دلالت دارند و از طرفی برای ما نیز حجت می باشند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

پیامبر (منحرف شود) که چرا به جنگ نابرابر در عدّه و عدّه اقدام کنیم)، سپس بر آنها به رحمت خود رجوع کرد، که همانا او به آنها رثوف و مهربان است (۱۱۷) و نیز بر آن سه نفری که (از همراهی با سپاه تبوک) واپس نهاده شدند (و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مردم با آنان قطع رابطه کردند) تا آن گاه که روی زمین با همه پهنایش بر آنها تنگ شد و دل هایشان از خودشان به تنگ آمد و دانستند که هیچ پناهگاهی (در فرار) از خدا جز به سوی او نیست، سپس خدا بر آنها به رحمت خود بازگشت تا توبه کنند و بازگردند، که همانا خدا خود بسیار عطف و توبه پذیر و مهربان است (۱۱۸).

در اینجا بحثهای فراوانی وجود دارد من جمله در مورد "تاب الله" بین ما و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد که ما بر خلاف آنها قائلیم توبه در اینجا به معنای توجه داشتن و عنایت به چیزی می باشد.

سه نفر یعنی مرارة بن ربیع و کعب بن مالک و هلال بن أمیه به هیچ وجه حاضر به همراهی پیغمبر نشدند، هر وقت حضرت از جنگ بر می گشتند مردم به استقبال ایشان می آمدند اما حضرت اعلام کردند وقتی برگشتید کسی با این سه نفر حرف نزنند و حتی جواب سلام آنها را ندهید و هیچ اعتنایی به آنها نکنید، زن های آنها نزد پیغمبر آمدند و گفتند یا رسول الله ما چه کار کنیم؟ حضرت فرمودند در خانه باشید اما با آنها آمیزش نکنید و این زنان نیز فقط موقع ناهار و شام می آمدند و غذا جلوی آنها می گذاشتند و می رفتند، تا سه روز به همین صورت گذشت و آن سه نفر تصمیم گرفتند از شهر بیرون بروند، رفتند و کنار یک کوهی مشغول عبادت شدند تا خداوند توبه آنها را قبول کند و بعد با خود گفتند وقتی مردم ما را ترک کرده اند بهتر است خود ما نیز از هم جدا شویم و این کار را کردند و